

#### ماجرای عشق و عاشقی میدون

#### روش گرفتن کره ازسیم کارت



#### یوریا عالمی

● من میدون هستم. میدون دوم، عاشق سوфіا. بابای سوфіا اما عاشق من نیست. دیروز هم که رفتم خواستگاری، بابای سوфіا گفت: پسر تو بلدی مخابرات بزنی؟

گفتم: شما می‌خواهی من مخ‌ها برات بزنم؟ یا سوфіا می‌خواهد؟

بابای سوфіا گفت: مخ‌ها برات بزنم یعنی چی؟ می‌گویم تو بلدی مخابرات بزنی یا نه؟

گفتم: مخابرات؟ منظورتان وزارتخانه است؟ یعنی الان می‌گویم من شرکت مخابرات بزنم؟

بابای سوфіا گفت: بله. پول توی مخابرات است. تو فردا یک مخابرات بزن. دیروز خبرگزاری فارس گزارش داده «عضو هیات‌مدیره مخابرات ایران گفت: از محل مصوبه جدید واگذاری امکانات مخابراتی و پیشنهاد افزایش هزینه ثبت‌نام تلفن ثابت به ۲۵۰ هزار تومان و افزایش آئینمان درمجموع ۷۰۰میلیاردتومان افزایش درآمد سالانه برای مخابرات پیش‌بینی می‌شود».

گفتم: اوووو. ۷۰۰میلیارد؟

بابای سوфіا گفت: اینکه چیزی نیست. همان اول یک‌جوری سیم‌کارت موبایل را به مردم فروختند که انگار پیش‌فروش سفر به مریخ بود. مردم می‌رفتند وام می‌گرفتند و وقتی حقوق ۲۰۰هزارتومان بود، مردم یک‌میلیون پول سیم‌کارت می‌دادند. ۱۰ سال بعد وقتی همه‌چی توی مملکت گران شد، تنها چیزی که ارزان شد، سیم‌کارت بود که مردم جشن ملی گرفتند و پدر مخابرات را تشکر کردند.

گفتم: من اجازه می‌خواهم از آقای غرضی، وزیر خلیلی قدیمی مخابرات، بادی کنم و به احترام بمب همه‌کس‌گش او به احترام عملکردش در مخابرات به او تندیس همه‌کس سیم‌کارت اهدا کنم.

بابای سوфіا گفت: اینکه چیزی نیست. همین الان شما یک خط موبایل را به قیمت سکه طلا می‌خری بعد هرچی توی دنیا روی سیم‌کارت مجانی است اینجا دوباره بابتش پول می‌دهی.

گفتم: عجیب. به نظرم شرکت لبنیات را باید بدهیم به مسئولان مخابرات چون اینها خوب بلدن از آب کره بگیرند.

بابای سوфіا گفت: جای این حرف‌ها جای اینکه بروی برای خودت شرکت مخابرات بزنی و از مردم پول بگشی بیرون، هی صبح تا شب به من اس‌ام‌اس بده و اس‌ام‌اسی ۲۰ تومن مخابرات را تیل‌تک کن. بعد دلت هم خوش باشد که با سوфіا از ساعت ۱۲ صبح مجانی با تلفن ورور می‌کنی. بعد می‌خواهی زن هم بگیری؟ تو الان باید فعلا همزن بگیري چون خوب بلدی هم بزنی.

**نتیجه‌گیری**

بهترین راه پولدارکردن مردم بی‌پول و ناامید، گرفتن پول آنها و امیدوارکردن آنهاست.

#### گزارش فردا

#### خراش برصورت سردار اسعد

● سال‌ها طول کشید تا سردار اسعد بختیاری، چهره شناخته‌شده قیام مشروطه که در فتح تهران حاضر بود، نه در پایتخت، بلکه در جوفنان استان چهارمحال‌وبختیاری صاحب مجسمه‌ای به یاد دلاوری‌هایش در نهضت مشروطه شود، اما به نظر می‌رسد گروهی با انگیزه‌های مشخص، به این مجسمه حمله کرده و تیشه به ریشه تاریخ زده‌اند. سردار اسعد بختیاری قرار بسود صاحب مجسمه‌ای در تهران شود و موزه‌ای به نام موزه مشروطه در پایتخت، منعکس‌کننده قیام مردمی مشروطه در عصر ناصری باشد، اما به دلایلی، استان چهارمحال‌وبختیاری که موطن سردار اسعد نیز بود، کاندیدای راه‌اندازی این موزه شد و اکنون که قرار است به‌زودی این موزه مورد بهره‌برداری قرار گیرد، مجسمه سردار اسعد که پیشانی این موزه را تشکیل می‌داد، در هفته گذشته تخریب شد، اما رسانه‌ها نتوانستند به‌راحتی درباره عامل یا عوامل این تخریب گزارشی منتشر کنند. باین‌همه، انتشار خبر تخریب این مجسمه، واکنش‌های مختلفی از سوی مسئولان محلی و دولتی به همراه داشت اما هفته گذشته فیلمی از حوادث روز تخریب منتشر شد که دیگر جای هیچ اماواکری باقی نمی‌گذارد. این اولین بار نیست که مجسمه‌های مشاهیر فرهنگی، ملی و هنری ایران مورد دستبرد، تجاوز یا تخریب قرار می‌گیرند. در شایعه‌های تلگرامی آمده است سخنرانی برخی مقامات محلی، عامل تحریک گروهی از مردم برای تخریب این مجسمه بوده اما هنوز در این زمینه تحقیقاتی به طور رسمی انجام نشده است. قانون، ورود فرد تخریبگر به داخل بنای ثبت‌شده در فهرست آثار ملی کشور و تخریب ابنیه و آثار تاریخی را جرم تلقی کرده و آن را شایسته پیگیری حقوقی می‌داند. رسانه‌ای‌شدن خبر تخریب مجسمه اما پیامدهای مثبتی هم در پی داشت: اول اینکه در فاصله چند روز، دو فرد خودکشی که وارد محوطه تاریخی شده و مجسمه را تخریب کرده بودند، دستگیر و به قانون سپرده شدند. نتیجه مهم اما راسخ‌شدن تصمیم سازمان میراث فرهنگی برای راه‌اندازی موزه مشروطیت بود؛ موزه‌ای که حالا با مجسمه ترمیم‌شده سردار اسعد بختیاری بر پیشانی‌اش، معنای تازه‌ای یافته؛ تمرین مدارا در یکی از استان‌های محروم کشور.

# شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

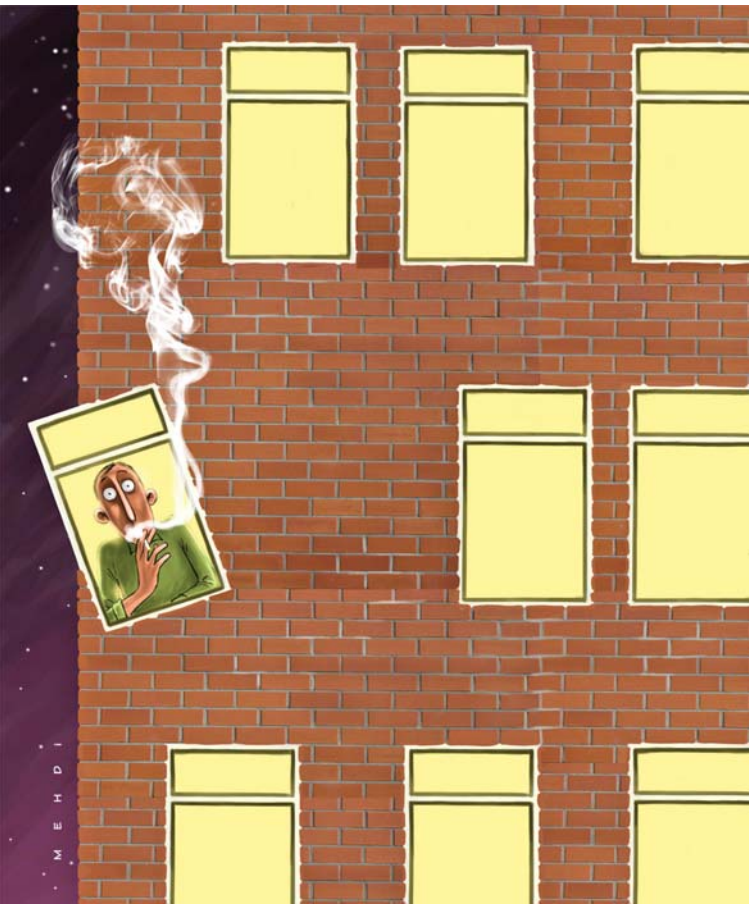
دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ | ۱۶ شعبان ۱۴۳۷ | ۲۳ می ۲۰۱۶ | سال سیزدهم | شماره ۲۵۸۹ | ۲۰ صفحه | اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ | اذان مغرب ۲۰:۲۹ | اذان صبح فردا ۴:۱۲ | طلوع آفتاب ۵:۵۳

### روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

#### کارتون خواب

#### مهدی عزیزی



#### جشنواره کن

#### شهاب حسینی و اصغر فرهادی در جمع بهترین‌های جشنواره کن

## یک فیلم با دو نخل طلا



**گروه هنر:** کوشه‌ای دیگر از دنیا جایزه به دو ایرانی رسید، هم‌وطنانش اما در این سوی آب‌ها با شادی آنها شریک شدند. اصغر فرهادی و شهاب حسینی نخل طلای شصت‌ونهمین جشنواره فیلم کن را برای بهترین فیلم‌نامه و بازیگر نقش مرد از آن خود کردند. مراسم اهدای جوایز اصلی شصت‌ونهمین جشنواره فیلم کن، پس از عبور چهره‌های سینمایی در ساعت ۹ شب به وقت ایران که حدود ۴۵ دقیقه طول کشید، پخش کنند که «مدمکس» بود و کسی که این فیلم را برایمان گذاشت، گفت که نشانه خوبی است». پس از آن فرهادی مورد تشویق حاضران قرار گرفت. جورج میلر، کارگردان «مدمکس» نیز که ریاست هیئت داوران این دوره جشنواره را بر عهده داشت، پس از شنیدن ترجمه سخنان فرهادی خندید. فرهادی در ادامه گفت: «فرصت خوبی است از هیأت داوران، رئیس جشنواره و دوست و تهیه‌کننده خویم الکساندر مالگه که بخش همه فیلم‌هایم را کار کرده و همچنین گروه خوبی که در کنارم بودند، تشکر کنم». کارگردان ایرانی حاضر در کن همچنین از همسرش (پریسا بخت‌آور)، پدر و مادرش برای تحمل‌شان در این سال‌ها تشکر و از پدالله نجفی، صدابردار فقید فیلمش که در میانه‌های فیلم‌برداری از این جهان رخت بپوست، یاد کرد. اما ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که حضور کتابون شهبانی، تهیه‌کننده ایرانی، در هیات داوران بخش اصلی جشنواره، یکی از امتیازهای سینمای ایران به حساب آمد. البویه آسیای برای «مغازه‌دار» و کریستین مونجیو برای «فارغ‌التحصیلی» به طور مشترک جایزه کارگردانی، زاویر دولان برنده جایزه بزرگ برای فیلم «این فقط پایان ندیاست» و نخل طلای کن به «من، دانیل بلیک» اثر کن لوچ رسید. این دومین نخل طلای این کارگردان است؛ وی در سال ۲۰۰۶ برای «بادی که ساقه‌های علف را می‌لرزاند» جایزه نخل طلا را گرفته بود.

مهسا علی‌بیگی: «فاطمه جهان آرا»، را بیشتر به‌خاطر برادرش، شهید محمد جهان آرا، می‌شناسند. اما او خود با گذشت سال‌ها از جنگ هنوز دل در گرو زادگاه آزادشده‌اش دارد و مدیر مؤسسه «بهار خرمشهر» است که در زمینه توانمندسازی زنان خرمشهری فعالیت می‌کند. به مناسبت سوم خرداد خاطرات او را از سقوط و آزادسازی خرمشهر مرور کردیم؛ مروری که در میانه‌های آن بغض گلوی جهان آرا را می‌گیرد، آنجا که می‌گوید: «خرمشهر آزاد شد ولی بدون محمد...».

#### ✂ از خرمشهر در روز اشغالش برایمان بگویید.

اجازه دهید از آغاز جنگ شروع کنم. ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ من هم مثل همه دانش‌آموزان منتظر بازگشایی مدارس بودم که حدود ساعت پنج عصر، متوجه صداهای وحشتناکی شدیم. البته تجربه جنگ خلق عرب را داشتیم. خلق عرب معمولا دست به بمب‌گذاری می‌زدند و صدای بمب‌گذاری برایمان آشنا بود و می‌دانستیم این صدای بمب نیست. پدرم پس از شنیدن این صداهای با محمد تماس گرفت تا از جریان مطلع شود اما نتوانست او را پیدا کند و به همین دلیل ما هم مثل بقیه از طریق تلویزیون متوجه شدیم صدای علیه ایران اعلام جنگ کرده است.

#### ✂ واکنش مردم شهر چه بود؟

شهر واقعا شرایط بدی داشت. تعداد زیادی کشته و مجروح شده بودند. من بلافاصله بعد از شنیدن خبر اعلام جنگ چون در هلال‌احمر دوره امدادگری دیده بودم به بیمارستان خرمشهر رفتم. بیمارستان به معنی واقعی کلمه از تعداد زیاد مجروحان و جنازه‌ها قفل شده بود. در طول مدتی که من در بیمارستان بودم یک خپاره هم جلو خانه ما زده شد که باعث مجروح‌شدن خواهر و مادرم و

شهادت پسر همسایه‌مان شد و من در بیمارستان متوجه این اتفاق شدم. نیروهای بعثی تا صبح شهر را با خمپاره زدند. به‌طوری‌که فردا صبح وقتی به بیمارستان رفتم برای کمک، گفتند در بهشت‌زهر(س) بیشتر به کمک شما احتیاج است. وقتی به بهشت‌زهر(س) رسیدیم متوجه شدیم که خیلی‌ها شهید شده‌اند و چون اصلا امکان شست‌وشوی شهدا نبود، چندنفر پشت‌سرهم زمین را می‌کنندند و یک نفر هم تندتند تلقین را می‌خواند و جنازه‌ها را بدون شست‌وشو به خاک می‌سپردیم. البته در تمام مدت هم آتش خمسه‌خمسه‌ها ادامه داشت و حین به‌خاک‌سپاری شهدا تا صدای صوت را می‌شنیدیم، روی زمین می‌افتادیم و دوباره بلند می‌شدیم و کار را ادامه می‌دادیم.

✂ در این مدت بسیاری به شهرهای دیگر رفتند، شما چه کردید؟

چهار، پنج روز از شروع جنگ گذشته بود که آقامحمد به ما گفت اینجا برای شما امن نیست و با ما سوار مینی‌بوس شد که ما را به آبادان برساند. البته وضعیت خواهرم هم که مجروح شده بود، خیلی مساعد نبود و به همین دلیل باید از خرمشهر می‌رفتیم، به آبادان که رسیدیم متوجه شدیم آنجا هم به خاطر تعداد زیاد مجروحان بیمارستان جایی برای بستری‌کردن خواهرم ندارد و به ما گفته شد برویم اهواز. محمد هم با ما تا پل بهمن‌شیر آمد ولی آنجا از ما جدا شد.

#### ✂ این آخرین دیدار با آقامحمد بود؟

نه! محمد با وجود اینکه درگیر جنگ بود ولی بارها برای سرزدن به خواهر مجروحم، مرضیه، به بیمارستان آمد؛ هم در اهواز و هم پس از آن وقتی مرضیه را به دزفول منتقل کردند. جالب اینکه وقتی از اهواز به دزفول رفتیم، بمباران وحشتناک دزفول شروع شد. شاید برایتان قابل‌تصور نباشد ولی این

شماره تازه ماهنامه «دنیاای قلم» منتشر شد. بخش اصلی این

شماره به‌گفت‌وگویی مفصل با محمدعلی نجفی، مشاور اقتصادی

رئیس‌جمهور، اختصاص دارد و او در این گفت‌وگو به چالش‌های

مهم نظام آموزشی کشور پرداخته است. از دیگر بخش‌های این

شماره که اختصاصا به موضوع آموزش و واژه معلم می‌پردازد،



#### پیشخوان

گفت‌وگوی مفصلی است با ایرج تقی‌پور درباره آسیب‌شناسی آموزش سینما در ایران. احمد احمدیان در مقاله‌ای مفصل، به چهار دوره از تاریخ آموزش در ایران پرداخته و مقاله‌ای خواندنی درباره وضعیت معلمان در برخی از کشورهای دنیا در این شماره ترجمه شده است. دنیای قلم به قیمت شش‌هزارتومان و مدیرمسئولی ذعرا فراهانی منتشر می‌شود.

شماره ۱۳۵۹ سالگرد خرمشهر را به یادماندگار می‌آورد. این شماره به‌گفت‌وگویی مفصل با محمدعلی نجفی، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور، اختصاص دارد و او در این گفت‌وگو به چالش‌های مهم نظام آموزشی کشور پرداخته است. از دیگر بخش‌های این شماره که اختصاصا به موضوع آموزش و واژه معلم می‌پردازد،

شماره تازه ماهنامه «دنیاای قلم» منتشر شد. بخش اصلی این شماره به‌گفت‌وگویی مفصل با محمدعلی نجفی، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور، اختصاص دارد و او در این گفت‌وگو به چالش‌های مهم نظام آموزشی کشور پرداخته است. از دیگر بخش‌های این شماره که اختصاصا به موضوع آموزش و واژه معلم می‌پردازد،

**LG**  
Life's Good

**جشنواره تابستانه**

**60%+**  
INVERTER V

**13%**  
SMART SCAN

**NEXT PLUS**  
INVERTER V

| مبلغ هدیه | مدل دستگاه       | نام محصول      | مبلغ هدیه | مدل دستگاه | نام محصول          |
|-----------|------------------|----------------|-----------|------------|--------------------|
| 3,500,000 | TV306STQ         | Big Inverter   | 2,500,000 | AV096MTQ   |                    |
| 1,000,000 | NB096TQ          |                | 3,000,000 | AV126MTQ   | Artcool Inverter   |
| 1,000,000 | NB126TQ - S126TQ |                | 5,000,000 | AV186MTQ   |                    |
| 1,500,000 | NB186TQ          |                | 6,000,000 | AV246MTQ   |                    |
| 1,000,000 | NB186TC - S186TC | New TITAN      | 1,000,000 | BV096STQ   |                    |
| 2,000,000 | NB246TQ          |                | 2,000,000 | BV126STQ   | Next Plus Inverter |
| 1,500,000 | NB246TC          |                | 2,500,000 | BV186STQ   |                    |
| 4,000,000 | TPH808FLAO       |                | 3,000,000 | BV246STQ   |                    |
| 3,000,000 | APW48GTAO        |                | 1,000,000 | NV096TQ    |                    |
| 2,000,000 | LPH508TCO        |                | 1,500,000 | NV126TQ    | Next One Inverter  |
| 2,000,000 | LPH488T2AO       | Floor Standing | 2,000,000 | NV186TQ    |                    |
| 2,000,000 | PV286STQ         |                | 2,500,000 | NV246TQ    |                    |

● جشنواره تابستانه از تاریخ ۲۰/۲/۹۵ به مدت محدود اعتبار دارد.

● جشنواره تابستانه شامل انواع کولرهای گازی مندرج در لیست فوق که از تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ نسبت به نصب آنها اقدام شده باشد می گردد.

● مشتریان محترم می بایست حداقل پس از گذشت ۳ روز و حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز پس ازنصب دستگاه به همراه مدرک شناسایی و اصل برگه نصب دستگاه به فروشگاه محل خرید کولر خود مراجعه نمایند.

● در جشنواره تابستانه، تخفیف درنظر گرفته شده برای محصولات کولرهای گازی ال جی بعد از ارائه برگه نصب توسطمشتری و به شرط نصب در استان محل خرید پرداخت خواهد شد.

● شرایط و هدایای جشنواره بدون اطلاع قبلی می تواند تغییر کند.

● لطفا در صورت بروز هر گونه مشکل یا ابهام با شماره ۸۴۷۳۳۱-۰۲ تماس حاصل نمایید.

پاسخ گوی و خدمات ۲۴ ساعته / ۷ روز هفته (بدون تعطیل) ۰۲۱-۸۴۷۳۳۱  
دفتر فروش ۰۲۱ ۹۴۴۵ - ۲۲۹۱ ۹۴۴۵ - ۲۷۶۰۴۰۰۰  
www.goldiranac.com